

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال دوازدهم، شماره ۴۷، بهار ۱۳۹۹

صفحات: ۱-۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰

## علل تداوم احزاب چپ در قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ایران

محمد تقی صادق فامیان قدیم\* / محمد توحیدفام\*\*

### چکیده

همواره در پژوهش‌های مربوط به تاریخ تحولات معاصر ایران از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به عنوان نقطه عطفی در بررسی رخدادهای تاریخی و اجتماعی یاد می‌شود. آن چنان که با شکل‌گیری زمینه‌های انقلاب در سال‌های دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ نیروها و احزاب سیاسی رفتارها و تصمیم‌گیری‌های متفاوتی در قبال این حرکت عظیم انقلابی انجام دادند. از مهم‌ترین نیروها و احزاب سیاسی چپ در دوره پهلوی دوم می‌توان از حزب توده مردم ایران نام برد. این پژوهش بر اساس روش توصیفی - تحلیلی در پی دست‌یابی به پاسخ این سوال اصلی است که عوامل تأثیرگذار در تداوم احزاب چپ بویژه حزب توده در قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ایران چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟ نتایج نشان می‌دهد که از عمده علل تداوم احزاب چپ بویژه حزب توده می‌توان به پایگاه اجتماعی این حزب و سران حزب توده در قبل از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ اشاره نمود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی نتوانست با جریان انقلاب همراهی نماید و به یکی از گروه‌های مخالف انقلاب اسلامی تبدیل شد. در کنار این علت داخلی، همچنین می‌توان به تغییر مناسبات قدرت‌های بزرگ پس از رخداد انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ در ایران توجه اشاره نمود که با فروپاشی نظام دوقطبی غیرمنعطف، قدرت‌های حامی نیروهای مخالف در داخل ایران دست از حمایت از این نیروها کشیده و موجب عدم استمرار فعالیت این نیروها در داخل ایران شدند و این بیش از همه به ضرر حزب توده شد که در رأس این نیروها قرار داشت.

### کلیدواژه‌ها

حزب توده مردم ایران، انقلاب اسلامی ایران، پایگاه اجتماعی، تاریخ معاصر.

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش مسایل ایران، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی،

Famian57@gmail.com

تهران، ایران.

\*\* دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Tohidfam\_m@yahoo.com

(نویسنده مسئول)

## مقدمه

همواره بررسی وجوه یک تاریخ سیاسی نیازمند دو رویکرد کل نگر و خردنگر است. هر یک از این رویکردها به تنهایی قابلیت نشان دادن علل و عوامل وقایع تاریخی را ندارند. پژوهشی توان نشان دادن حداکثری کم و کیف علل و عوامل تاریخی و اجتماعی را در خود دارد که به حد مقدر دو رویکرد کلان نگر و خردنگر را توأمان مورد استفاده قرار دهد.

تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران نیز از این قاعده مستثنا نمی باشد و وجوه و ابعاد متعددی دارد که جهت بررسی و شناخت آن لازم است که آن را به موضوعات کوچک تر و عینی تر تفکیک و تقسیم نمود. در این میان از مهم ترین تاریخ تحولات اجتماعی سیاسی ایران می توان به شکل گیری، تداوم فعالیت و انحلال تشکلهای و احزاب سیاسی در تاریخ معاصر ایران پیش و پس از انقلاب اسلامی اشاره داشت. در بررسی صحیح و علمی این تشکل سیاسی نیز نیازمند آن می باشد که از یک سو سطوح کلان (مناسبات بین المللی) و از یک سو سطح میانی (نظام سیاسی در سطح ملی) و سطح خرد (هنجارها و ارزش های فردی و جمعی جامعه هدف) مورد مطالعه قرار گیرد.

حزب توده ایران از مهم ترین و بزرگ ترین احزاب سیاسی چپ ایران محسوب می شود. آن چنان که بررسی تاریخ فراز و فرود این حزب و علل و عوامل این تداوم / عدم تداوم می تواند به بسیاری از سوالات در مورد تاریخ ایران معاصر پاسخ دهد. از آنجا که این جریان سیاسی در تمامی دوران شکل گیری و فعالیت خویش ایده و الگویی برون مرزی را سرلوحه کنشها و تصمیمات خویش قرار داده است بررسی نسبت ایده اصلی حزب توده با جامعه ایران و ساختار سیاسی مستقر (پیش و پس از انقلاب اسلامی) مطلوب این پژوهش می باشد. لذا این پژوهش قصد آن دارد تا با بررسی علل و عوامل فراملی و ملی تداوم و عدم تداوم احزاب چپ با تأکید بر حزب توده بر اساس رویکرد نظریه نظام جهانی اقدام نماید.

### ۱. چارچوب مطالعاتی؛ نظریه نظام جهانی در دوران جنگ سرد

با پایان جنگ جهانی دوم دو بلوک شرق به رهبری کشور شوروی و بلوک غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا در مقابل یکدیگر صف آرایی نمودند. این تقابل منشأ ایدئولوژیک داشت و شوروی با تکیه بر ایده مارکسیسم و ایالات متحده با تکیه بر ایده لیبرالیسم در این جناح بندی

حضور داشتند و به تبع این دو ایده دو مجموعه کشور در قالب بلوک شرق و غرب به جنگ سرد و انباشت تسلیحات (صلح مسلح) روی آوردند.

دوران جنگ سرد بر مبنای ساختار دو قطبی ایالات متحده و شوروی بنا شده بود و تجزیه و تحلیل رویدادهای مهم بین‌المللی بر اساس نوع تعامل یا تقابل این دو ابر قدرت امکان‌پذیر بود. شوروی در سراسر دوران جنگ سرد تلاش نمود که موازنه قدرت را در برابر ایالات متحده آمریکا در عرصه نظام بین‌الملل حفظ نماید. رقابت دو ابر قدرت برای کسب نفوذ بیشتر در جهان و رقابت‌های تسلیحاتی تنها بخشی از این فعالیت‌ها بود. نظام بین‌المللی مبتنی بر محور شرق و غرب، به تقسیم جهان و به ویژه اروپا پرداخت که تحت نظام دو قطبی غیرمنعطف مورد شناسایی قرار می‌گرفت.

به این ترتیب در دوران بعد از جنگ سرد، الگوهای متفاوتی برای سازماندهی نظم منطقه‌ای در حوزه‌های راهبردی به کار گرفته شده است (مارتین، ۱۳۸۲: ۳۴). «کنت والتز» در این خصوص یادآور می‌شود که «هدف نهایی هر دولت، تحصیل امنیت است؛ زیرا دولت‌ها هیچ‌گاه نمی‌دانند چه میزانی از امنیت در یک سیستم آنارشیک برایشان کفایت می‌کند. افزایش قدرت تمرکز یافته در جهان تک قطبی، ماهیت آنارشیک سیستم بین‌المللی را تغییر نمی‌دهد و همچنین، ترس دولت‌ها از قدرت و تمایلشان برای کسب امنیت را نیز اصلاح نمی‌کند» (Waltz, 1979: 78).

در این وضعیت شاهده این سیستم متشکل از کشورها، واحدهای سیاسی و به کلام دیگر، کلیه «بازیگران» صحنه بین‌المللی بوده، عمده‌ترین خصوصیت آن چگونگی تشکل این واحدها یا ساختار سیستم بین‌المللی است. منظور از ساخت سیستم بین‌المللی، «الگوی کلی قدرت، تسلط و نفوذ در میان واحدهای تشکیل دهنده آن است» (Holsti, 1977: 97). که با عنوان نظام دو قطبی غیرمنعطف مورد شناسایی قرار می‌گیرد. لذا در مجموع و در انتها می‌توان پیش نیازهای عمده‌ای را که می‌توان برای سیستم نظام دو قطبی منعطف برشمرد.

دو بلوک قدرت شرق و غرب، بازیگران دولت‌های نظام بین‌الملل به یکی از این دو بلوک تعلق دارند و در تمامی عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و نظامی مورد حمایت یکی از دو بلوک می‌باشند (Molvi, 2005: 18). در این راستا مهم‌ترین تحولات مذکور را می‌توان به صورت ذیل مطرح ساخت: «تغییر نوع قدرت»، «تغییر در اصل سیستم‌های خطی»، «تحول

در بازی‌های استراتژیک»، «تحول در گستره موازنه» و «تغییر رابطه بین توانایی‌ها و نتایج جنگ» که در ادامه به تشریح مولفه‌های تحولات مفهومی فوق اقدام می‌شود.

با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به عنوان یکی از دو بنیان فکری نظام بین‌الملل، دیدگاه‌های نظری متعددی در تلاش برای تبیین شرایط متحول جدید و جایگاه جبهه لیبرالیستی به رهبری ایالات متحده آمریکا سر بر آوردند. برخی بر این باورند که در شرایطی جنگ هنجاری و ایدئولوژیک میان دو بلوک شرق و غرب به پایان رسید که اندیشه لیبرالیسم مستولی گشت. برخی این استیلا را ناشی از توانایی درونی لیبرالیسم در غلبه به دشمن خود می‌دانند. در حالی که دیگران می‌گویند که این پیروزی لزوماً ناشی از توانمندی لیبرالیسم نبوده بلکه متغیرهای دیگری نیز در این قضیه دخیل هستند.

نظریه نظام جهانی در اصل از حوزه‌ای خارج از روابط بین‌الملل (مطالعات اجتماعی/ جامعه‌شناسی) وارد این حوزه مطالعاتی شده است و از نظریه‌های مخالف جریان اصل و منتقد محسوب می‌شود. این نظریه برخلاف نظریه‌های جریان اصلی که به توصیف، توضیح و تبیین آنچه «واقعیت موجود» تلقی می‌شود بسنده می‌کنند و مبانی فرانظری علم‌گرایانه خود را مورد بازاندیشی قرار نمی‌دهند، موضعی انتقادی هم نسبت به «واقعیت» روابط بین‌الملل و هم رشته روابط بین‌الملل و مبانی شناختی آن دارد.

«نظریه نظام جهانی»<sup>۱</sup> بیش از همه با نام «ایمانوئل والرشتاین»<sup>۲</sup> جامعه‌شناس آمریکایی در پیوند است (الرشتاین، ۱۳۷۷: ۴). نظریه پردازان عمده این حوزه فکری، «آندره گوندرفرانک»، «امانوئل والرشتاین» و «سمیر امین» هستند که در این تحقیق تنها نظریه «الرشتاین» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نظریه نظام جهانی در اوایل دهه ۱۹۷۰ توسط ایمانوئل والرشتاین با هدف تبیین خاستگاه‌های سرمایه‌داری، انقلاب صنعتی و ارتباط پیچیده، مبهم و متقابل جهان اول، دوم و سوم ارائه شد. این نظریه در زمره نظریات «چرخه استیلا» به شمار می‌رود و نسبت به رویدادهای جهان دیدگاهی کلان‌نگر دارد. برای والرشتاین، پیوستگی متقابلی میان تقسیم‌کار جهانی و نظام دولتی بین‌المللی وجود دارد و «اقتصاد سیاسی نظام جهانی» از همین‌جا نشأت می‌گیرد

1. World-system Theory

2. Imanuel Wallerstein

(Goldfrank, 2000: 172). نظام بین الملل (که او ترجیح می‌دهد آن را «نظام بین دولتی»<sup>۱</sup> بنامد) یکی از اجزای نظام جهانی سرمایه‌داری است.

والرشتاین در تعریف «نظام جهانی» می‌نویسد: «یک نظام جهان، نظامی است اجتماعی، که دارای مرزهای معین، ساختار گروه‌های عضو، مقررات حقانیت و همبستگی است» (هابدن، ۱۳۷۹: ۱۳۲). وی در این تعریف ریشه‌ها و جوهره «نظام جهانی» را توصیف و توضیح می‌دهد. از نظر او قبایل، جوامع یا حتی دولت‌های ملی، نظام‌های فراگیر و کاملی نیستند؛ زیرا از نظر اقتصاد معیشتی نیازمند نظام‌های دیگرند، در حالی که نظام‌های جهانی مستقل هستند. بنابراین، «نظام جهانی» یگانه نظام فراگیر و کامل اجتماعی است که می‌توان ساختارهای به هم متصل و کامل‌کننده اقتصادی سیاسی و اجتماعی را درون آن یافت و مورد مطالعه قرار داد (سلیمی، ۱۳۷۵: ۲۹). از نظر والرشتاین نظام جهانی دارای دو ویژگی است: اول اینکه «زندگی درون این نظام کمابیش خود نگهدار است»؛ به این معنا که اگر نظام از همه اثرگذاری‌های برونی جدا شود، پیامدهای درونی آن مشخص است. دوم اینکه، «این نظام دارای ویژگی‌های موجود زنده است که دوره‌های ضعف و قدرت را سپری می‌کند» (Wallerstein, 1967: 21).

بر این اساس دولت‌ها در نظام بین الملل با ساختارهای مختلف یکی قطبی، دو قطبی، چند قطبی و... مواجه هستند. در هر یک از این ساختارها الگوها و قواعد رفتاری خاصی حاکم است که محدودیت‌های رفتاری خاصی را ایجاد می‌کند. در نتیجه درک ضرورت‌های ساختاری هر نظام برای تدوین و همچنین تحلیل سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل ضروری است (دهقانی: ۱۳۸۴: ۴۱). از نظر هالستی نیز نظام بین‌المللی به چندین نوع الگوی روابط و رفتار بین کشورها قابل تفکیک است که شامل الگوهای سلسله مراتبی، پراکندگی قدرت، بلوک و پراکندگی قدرت، دو قطبی (منعطف و غیرمنعطف) و چند قطبی می‌شود.

از آجا که واحدهای ملی در نظام بین‌الملل از قدرت یکسانی برخوردار نیستند، سلسله مراتبی از قدرت در متن نظام بین‌الملل مشهود است. در این حالت نظام بین‌الملل بر مبنای دیدگاه‌های مختلفی هم‌چون نظام هژمونیک، نظام تک قطبی، نظام چندقطبی و یا... تفسیر می‌شود (واعظی، ۱۳۸۶: ۴۵۹). بر این اساس در الگوی دو قطبی و از نظر مورگنتا اتحادها، کار ویژه ضروری موازنه قدرت در نظام چند قطبی محسوب می‌شوند. دولت «الف» و «ب» که رقیب یکدیگرند، برای حفظ یا افزایش جایگاه نسبی قدرت خود، سه راه در پیش رو دارند:

---

1. Interstate System

قدرت خود را افزایش دهند، قدرت سایر دولت‌ها را به قدرت خود بیافزایند، یا مانع از اضافه شدن قدرت سایر دولت‌ها به قدرت خصم شوند. اگر راه اول را برگزینند، به مسابقه تسلیحاتی مبادرت می‌کنند. اگر راه‌های دوم و سوم را انتخاب نمایند، سیاست اتحاد را در پیش می‌گیرند (مورگنتا: ۱۳۷۹ : ۳۰۷).

## ۲. سیاست‌ها و خط‌مشی‌های حزب توده در گذر تاریخ

بعد از اشغال بخشی از خاک ایران توسط ارتش شوروی، در سال ۱۳۲۰ متصدیان «انترناسیونال کمونیستی» (کمینترن) پایه‌گذاری یک حزب سیاسی در راستای اهداف و منافع اتحاد شوروی در فضای سیاسی نوین ایران را در رأس امور خود قرار دادند (کشاوری، ۱۳۵۷: ۲۵). از دیدگاه کمینترن و با تجربه شکست حزب کمونیست ایران، تأسیس یک حزب کمونیستی خالص ضرورت نداشت و حزب جدید باید یک حزب دارای پوشش و نام ملی و غیر کمونیستی می‌بود تا از پس کسب پایگاه اجتماعی در جامعه ایران برآید.

در راستای این هدف، گروهی برآن شدند تا تشکلی سیاسی در قالب حزب تشکیل دهند. مؤسسين این حزب را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد. یک گروه، بخشی از ۵۳ نفر بودند (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک از خسروپناه، ۱۳۸۳: ۲۲). گروه دوم مؤسسين حزب، عده‌ای از عناصر ملی بودند که سابقه آزادی‌خواهی داشتند مانند اسکندری که سابقه سوسیالیستی داشت و البته در دوره اول حکومت رضاشاه به اشتباه وزیر فرهنگ شد چون تصور می‌کرد رضاشاه، مترقی است (همان تحلیلی که شوروی از رضاشاه داشت)؛ علی‌امیر خیزی، که از آزادی‌خواهان قدیمی بود، پروین گنابادی که نویسنده برجسته‌ای شد و عبدالحسین نوشین که جزو هنرمندان درجه اول تئاتر بود و غیره. گروه سوم مؤسسين حزب، کمونیست‌های قدیمی بودند که قبل از ۵۳ نفر دستگیر شده بودند و ده سال در زندان بودند. مثل اردشیر آوانسیان و رضا روستا و گروه چهارم کسانی بودند که ایرج اسکندری و غیره می‌خواستند آنها را به عنوان «عناصر ملی» جلب کنند (کیانوری، ۱۳۵۹: ۶۸-۶۷). به این ترتیب در ۱۵ مهر ۱۳۲۰، جلسه هیأت مؤسسان حزب توده با شرکت بیش از ۸۰ نفر در منزل سلیمان محسن اسکندری تشکیل شد. از این تعداد حدود ۳۷ نفر از کمونیست‌های زندانی بودند عناصر هوادار انگلیس نیز، در چارچوب سیاست «جبهه واحد ضدفاشیستی» در این جلسه شرکت داده شدند (بی‌نا، ۱۳۶۰: ۱۲۵). حیدر علی‌اف نیز در جلسه شرکت کرد. برخی از شرکت‌کنندگان که از گروه

علل تداوم احزاب چپ در قبل و بعد از انقلاب اسلامی...

کمونیستی پیشین بودند بر پوشش غیر کمونیستی اعتراض کردند؛ اما با این وجود استدلال علی‌اف چنین بود که با توجه به اوضاع و احوال و وضعیت کنونی ایران، نیاز به یک حزب معتدل در پوششی است که بتواند از تمامی طبقات نیرو حزب کند (زیبایی، ۱۳۴۳: ۱۱۹).

اینچنین بود که نام «حزب توده» انتخاب شد.

حزب توده بعد از تاسیس تا پایان دوران فعالیتش یعنی سال ۱۳۶۱ فراز و نشیب‌ها و مراحل مختلفی را پشت سر گذاشت که این تطور در حیات حزب توده، بخش بزرگی از آن ناشی از تطور سیاست شوروی در ایران و متاثر از اوضاع و شرایط بحرانی و دگرگونی‌های سیاسی و مولود تنش‌ها و مشکلات کادر رهبری حزب بوده است. از آنجا که حزب توده در ایران چهره‌ای مارکسیستی داشته است به نظر می‌رسد که بتوان ظهور و غروب حزب توده در ایران معاصر را در سایه دوره‌ها و شاخه‌های «مارکسیسم سنتی»، «مائوئیسم»، «چپ‌نو» و «مارکسیسم آنارشیستی و تروتسکیستی» قابل شناسایی است (دوراندیش، ۱۳۸۸: ۶۳). در این میانه حزب توده یکی از مهم‌ترین، منسجم‌ترین و مستمرترین احزاب سیاسی ایران محسوب می‌شود.

حزب توده در هر دوره‌ای با مصائب و مشکلات عدیده‌ای روبرو بوده است که موضع‌گیری‌های ایشان سبب هویدا شدن چهره پنهانی این تشکل سیاسی می‌شود. آن چنان که تا ۴ سال پس از کودتا ۲۸ مرداد، بحران عمیقی بقایای حزب توده در خارج از کشور را فرا گرفت و رهبران حزب توده هر یک کوشیدند تا علل شکست را به گردن دیگری اندازند (نجاتی، ۱۳۸۰: ۵۰). در فردای انقلاب اسلامی نیز مشابه این وضعیت برای حزب توده به وجود آمد. در مجموع می‌توان ادوار تاریخی حزب توده را بر اساس دوره‌های تاریخی پیش از انقلاب اسلامی، فعالیت‌ها و مهم‌ترین اتفاقات به قرار زیر بیان داشت.

جدول شماره ۱؛ ادوار تاریخی فعالیت حزب توده در دوره پهلوی				
ادوار	دوره زمانی	فعالیت حزب	مهم‌ترین اتفاق این دوره	نسبت با قدرتهای بزرگ
دوره اول	از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴	از تأسیس تا آغاز پیدایش فرقه دمکرات	با حمایت شوروی و دخالت احمد قوام، هشت نماینده در مجلس شورای ملی دوره چهاردهم به دست می‌آورد.	پا به پای دیپلماسی شوروی
دوره دوم	۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶	از فرقه دمکرات تا کابینه قوام	توسعه کمی در شهرها (دوره طلایی حزب توده)	ادامه رابطه با شوروی
دوره سوم	از ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۷	از کابینه قوام تا ترور شاه	اعلان رسمی غیرقانونی بودن	ادامه رابطه با شوروی
دوره چهارم	از ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰	از اعلام غیر قانونی شدن حزب تا رد قرارداد الحاقی نفت گس - گلشایبان	فرار رهبران حزب از زندان تشکیل هیأت اجرایی هشت نفری	ادامه رابطه با شوروی
دوره پنجم	از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲	از ملی شدن صنعت نفت تا کودتا	بازیابی تشکیلات حزبی در تهران	مخالفت با ملی شدن نفت و دستگیری بازگشت رژیم
دوره ششم	از ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴	از پایان کودتا تا متلاشی شدن حزب	کشف سازمان نظامی حزب	ادامه رابطه با شوروی
دوره هفتم	از ۱۳۳۴ تا ۱۳۵۷	از متلاشی شدن تا فرار از کشور	تشکیل کمیته مرکزی در آلمان شرقی	ادامه رابطه با شوروی
دوره هشتم	از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱	از فرار از کشور تا انحلال	کیانوری دبیر حزب می‌شود.	ادامه رابطه با شوروی

به سیاق این شرایط و دوره‌بندی می‌توان فعالیت و حضور حزب توده در دوره انقلاب اسلامی را نیز در جدول زیر ترسیم نمود.

جدول شماره ۲؛ ادوار تاریخی فعالیت حزب توده در دوره جمهوری اسلامی		
ادوار	دوره زمانی	مهم‌ترین اتفاق این دوره
دوره اول	اول فروردین تا آخر اردیبهشت	بازگشت به داخل کشور
دوره دوم	سراسر سال ۱۳۵۸	جذب گروه‌ها، محفل‌ها و افراد و متشکل ساختن آن‌ها
دوره سوم	از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰	اوج فعالیت حزب در دوره انقلاب اسلامی برگزاری گردهمایی هفدهم کمیته مرکزی در فروردین ۱۳۶۰ در تهران



### علل تداوم احزاب چپ در قبل و بعد از انقلاب اسلامی...

دوره چهارم	از ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۲/۰۲/۰۶	کشف ارتباط شبکه مخفی نظامی حزب توده با سازمان امنیتی شوروی اجرای عملیات امیرالمومنین(ع) و انحلال فعالیت
---------------	-----------------------	--

در انتها و با توجه به مطالبی که از تاریخ تحولات و فرود و فرازهای این حزب به دست می‌آید می‌توان دریافت که این تشکل سیاسی در غالب موارد و در اکثر زمان‌ها در میانه دو متغیر قرار داشته است و تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات حزب توده متأثر از این دو متغیر بوده است. متغیر اول رویکرد سیاسی کشور شوروی به مسائل ایران، منطقه و بین‌الملل که سبب جهت‌گیری حزب توده نسبت به آن مسأله می‌شود و دومین متغیر تحولات داخلی ایران که با سیاست‌ها و منافع کشور شوروی همراهی و هم‌خوانی نداشته و سبب انشعابات و کژکارکردی‌های لازم حزب توده به عنوان یک سازوکار کنترلی کشور شوروی می‌شود (بهرروز، ۱۳۸۰: ۲۵۶). به این ترتیب می‌توان تمامی کنش‌ها و واکنش‌های حزب توده را در تقابل دو گانه «سیاست بین‌المللی شوروی» (تقابل با بلوک غرب) و «وضعیت سیاسی - فرهنگی داخل ایران» (تقابل با استعمار و استبداد) صورت‌بندی نمود. در بحث آخر به این مسأله به عنوان مولفه‌ها و عوامل تداوم حزب توده بیشتر پرداخته خواهد شد.

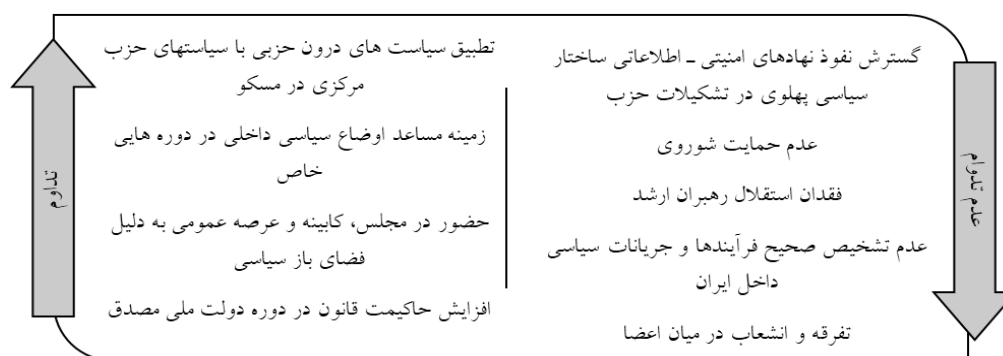
### ۳. علل تداوم حزب توده پیش و پس از انقلاب اسلامی

علل و عوامل تداوم حزب توده در دوره پهلوی را می‌توان بر اساس دوره‌های فعالیت این تشکل سیاسی تفکیک و مورد شناسایی قرار داد. آن چنان که در دوره اول زندگی حزب توده از تأسیس تا آغاز پیدایش فرقه دمکرات، یعنی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ امتداد دارد. این حزب بر حسب دستور «کمینترن» خواست یک سازمان ملی و علنی باشد. ولی در همان آغاز از این راه منحرف شد. این تناقض نخستین در سراسر حزب تا پایان عمرش بروز کرد (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۷: ۲۹۷).

در دوره دوم زندگی حزب توده که از پیدایش فرقه دمکرات آذربایجان و پارتی دمکرات کردستان آغاز می‌شود و با اوج این حزب و شرکت وزیرانش در کابینه دوم قوام، خاتمه می‌یابد (احمدی، ۱۳۷۹: ۲۲۴). با پیروزی ارتش شوروی در استالینگراد تکانی به رونق حزب توده داد و در داخل حزب، اعضای ماقبل استالینگرادی بر عناصر مابعد استالینگرادی تفاخر می‌فروختند، به همین ترتیب تشکیل فرقه با همه خفت و توهینی که در عمل برای حزب و

رهبریش بود، میدان فرصت‌طلبی حزب را گشاده‌تر کرد و حزب از جهت کمی در همه شهرهای کشور توسعه یافت (طبری، ۱۳۷۸: ۲۵).

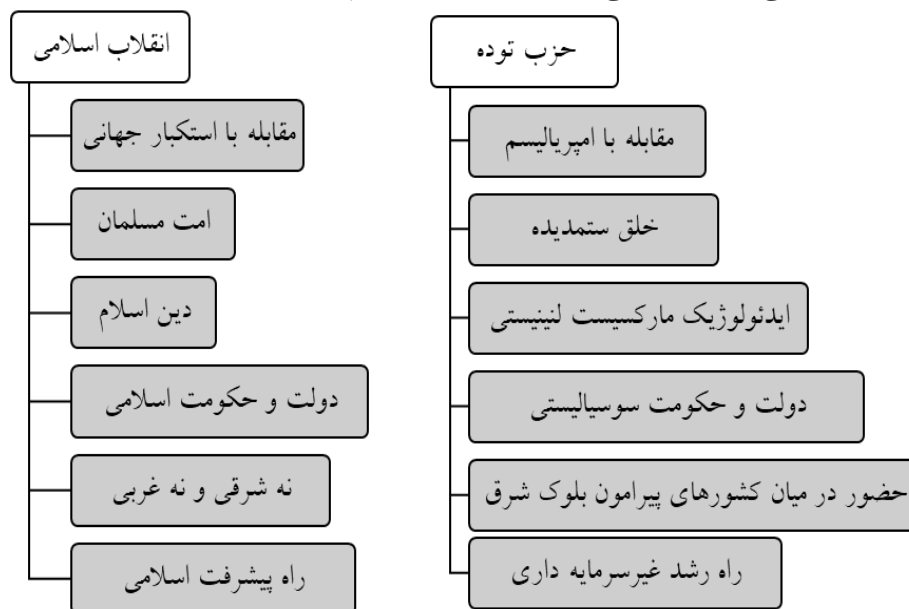
بعدتر و در دوران بعد از ملی شدن صنعت نفت تا کودتای ۱۳۳۲ حزب توده به دو علت توسعه می‌یابد و تنها در تهران تعداد اعضایش، بنابر بیان دبیرکل موقت حزب در ایران، به ده هزار نفر می‌رسد (حزب توده، ۱۳۶۸: ۲۸۵). از وقوع کودتای سال ۱۳۳۲ و کشف سازمان نظامی حزب توده و متعاقب آن تلاش تمام سازمان‌های علنی و مخفی حزب یعنی تا سال ۱۳۳۴ به میزان زیادی از فعالیت و حضور حزب توده کاسته شد و به نوعی می‌توان دریافت که از این دوره تا پیروزی انقلاب اسلامی زمینه برای فعالیت حزب توده محیا نبوده و ساختار سیاسی با نهادهای امنیتی - اطلاعاتی عامل این عدم تداوم فعالیت هستند. این فراز و فرودها سبب انشعابات فراوانی در دوره‌های مختلف از حزب توده شد (گازیوروسکی، ۱۳۷۱: ۱۶۵). علاوه بر



وقایع فوق، حزب توده نتوانست وقایع و جریانات سیاسی داخلی را نیز تشخیص و تمیز دهد. برای نمونه در جریان ملی کردن صنایع نفت نیز دو خط متمایز از همان آغاز مشخص شد. خط آیت‌الله کاشانی و جریان دکتر مصدق؛ رهبری حزب توده نتوانسته است این دو خط را از هم تشخیص دهد (حاجی‌کلایی، ۱۳۸۱: ۲۳۹). این حزب با فضایی باز که در دست داشت قدرت قابل ملاحظه‌ای را کسب کرد. کیانوری شروع کرد به نقش مصدق و بورژوازی ملی توجه کردن، ولی رهبری در اینجا نیز از محتوی مردمی خط آیت‌الله کاشانی غافل می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۱۳۶). تقابل این مولفه‌ها را که عامل تداوم و عدم تداوم در فراز و فرود حزب توده شده است را می‌توان در نمودار زیر مشاهده نمود.

علل تداوم احزاب چپ در قبل و بعد از انقلاب اسلامی...

رویکردهای مطرح شده از سوی حزب توده در قبال مسائل سیاسی و اجتماعی ایران در دوره پهلوی به شکل پایدار و مستمری در فردای انقلاب اسلامی نیز همچنان پیگیری و دنبال می‌شود؛ آنچنان که این تشکل سیاسی تلاش دارد تا آن تقابل دوگانه سیوسیالیسم در بلوک شرق در برابر لیبرالیسم در بلوک غرب را به دوره انقلاب اسلامی تسری داده و انقلاب را به سمت بلوک شرق سوق دهد اما این مسأله رخ نداد و جریان تاریخی به سمتی دیگر گام برداشت. در راستای تشریح روشن‌تر مولفه‌های دوگانه‌های مدنظر حزب توده که در تعارض و مخالفت با انقلاب اسلامی قرار داشت می‌توان نمودار زیر را ترسیم نمود



نمودار شماره ۱؛ مقایسه عوامل تداوم و عدم تداوم حزب توده پیش و پس از انقلاب اسلامی

این تقابلهایی مهم معانی در زمینه تفاوت‌های ایدئولوژیک حزب توده با جهان‌بینی اسلامی سبب شد تا خیانت‌های متعددی حزب توده به جریان نیروهای انقلابی رقم خورده و سبب اقدام نیروهای انقلابی علیه ایشان و در نهایت انحلال این تشکل سیاسی را به وجود آورد. اما پیش از پرداختن به این موضوع، می‌توان به عمده موارد تخلف حزب توده در دوره انقلاب اسلامی تحت نمودار زیر پرداخت.



نمودار شماره ۲؛ وجوه تاریخی - حقوقی خیانت‌های حزب توده به انقلاب اسلامی (علل انحلال)

#### ۴. مقایسه علل تداوم حزب توده در پیش و پس از انقلاب اسلامی در ایران

با آنکه بین سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۳۲، حزب توده، به سرعت رشد کرد، اما در دوره‌های سرکوب در میان سال‌های ۱۳۳۴ - ۱۳۳۵ به شدت مهار شد. رژیم شاه که مارکسیسم را بزرگترین تهدید علیه خود تلقی می‌کرد، در دوره ۱۳۳۲ - ۱۳۵۷ بیشترین قدرت خود را علیه کمونیست‌ها به کار گرفت. طی این چند سال، هیچ فعالیت سیاسی مستقلی مجاز شمرده نمی‌شد. در این دوران، تعیین‌کننده‌تر از همه این بود که در رویارویی میان مارکسیست‌ها و رهبری اسلام‌گرای انقلابی، اسلام‌گرایان گوی سبقت را در عرصه رادیکالیسم و ضدیت با امپریالیسم، از مارکسیست‌های توده‌ای ربودند. اکثر گروه‌های مارکسیستی ایران، خصلت وابستگی رژیم شاه را صرفاً ناشی از سلطه نظام سرمایه‌داری بر ساختار کشور می‌دانستند و از این رو به هیچ‌وجه میسر نمی‌دانستند که در همان نظام اقتصادی، حکومتی بتواند فارغ از نفوذ مستقیم خارجی عمل کند.

نخستین محور دیدگاه‌های حزب توده در شناخت ماهیت دولت پهلوی، تبیین نظام اجتماعی و ساختار سیاسی ایران در دوره پهلوی دوم بر پایه آموزه‌های مارکسیستی و کمون‌های تشریح شده (جبر تاریخی) در این نظریه می‌دانند. ایشان دولت متمرکز پهلوی را واجد ویژگی‌های

علل تداوم احزاب چپ در قبل و بعد از انقلاب اسلامی...

استبدادی و فئودالی (بعدها سرمایه‌داری) تعبیر و تفسیر می‌نمایند و بر همین اساس برای سیر تاریخی ایران تحولاتی مطابق با تحولات نظریات مارکسیستی قائل بودند. به این ترتیب حزب توده سیمای حاکمیت ایران را در دوره پهلوی اول و پس از آن تا دهه چهل «حکومت فئودال - بورژوازی»، یعنی همزیستی دو وجه تولید می‌دانستند.

دومین محور دیدگاه‌های حزب توده در شناخت ماهیت دولت پهلوی، مسأله وابستگی بود. از نگاه حزب توده اصلاحات سال ۱۳۴۱ سرفصلی بر دوره وابستگی مجدد نظام پهلوی به نظام سرمایه‌داری و امپریالیسم جهانی است؛ آنگونه این اصلاحات به جهت برقراری پایگاه جدیدی برای حضور استعمارگران قلمداد می‌شود که به دنبال «تثبیت رژیم دست‌نشانده»، «تثبیت اوضاع اجتماعی» و «برچیدن نظام کهنه فئودالی به قصد گسترش سرمایه‌داری» انجام گرفته است. اصلاحات ارضی شاه‌بیت این اصلاحات بود که به واسطه رشد کمی و کیفی طبقه کارگر در اثر رشد سرمایه‌داری، سبب تغییر پایه طبقاتی و اجتماعی سلطنت می‌شود.

بر اساس اسناد و انتشارات رسمی این حزب مقوله وابستگی مهم‌ترین ویژگی دولت پهلوی می‌باشد، مقوله‌ای نو در مناسبات بین‌المللی محسوب می‌شد که با تلاش نظام مستعمراتی گسترش یافته بود. به اعتقاد حزب توده، کشورهای رها شده از قید استعمار اسپر مناسباتی شدند که «نواستعمار» یا «وابستگی» نام گرفت. ساز و کارهای این نوع وابستگی پیچیده‌تر از سازوکارهای استعمار علنی بود و شیوه‌های آن نیز متفاوت بودند. حزب توده پیشینه این نوع وابستگی را در جنگ سرد می‌دید. در این دیدگاه دوقطبی شدن جهان و آغاز دوران جنگ سرد پس از جنگ جهانی دوم، دو قطب قدرت یعنی امریکا و شوروی و اقمار آن‌ها، در مقیاس جهانی، از هم مجزا می‌شوند. به زعم حزب توده ایران، دوره پهلوی در اردوگاه غرب قرار می‌گرفت. طبیعی بود که حزب توده به دلیل وابسته بودن به حزب کمونیست شوروی از اردوگاه شرق پشتیبانی نماید و دیدگاه آن نیز در جهت افکار حاکم بر این اردوگاه باشد.

در مجموع حزب توده نظام پهلوی را واجد ویژگی‌هایی هم‌چون «تحکیم‌کننده رشته‌های پیوند با نظام سرمایه‌داری»، «تقابل و اقدام علیه نظام سوسیالیستی»، «شکل‌دهنده و افزایش دهنده قدرت فردی و اعمال استبدادی» و «دیکتاتوری ضد توده‌ها» معرفی و شناسایی می‌نمایند.

در کنار بررسی کم و کیف مبارزات این حزب با ساختار و سلسله‌مراتب ساختار سیاسی آنچه نیاز است مورد بررسی قرار گیرد موضع حزب توده با هنجارهای اجتماعی جامعه ایرانی می

باشد. مهم‌ترین هنجار تاریخ اجتماعی ایران موضوع مذهب است و حزب توده نیازمند آن بود که موضع خود را نسبت به این موضوع تبیین و روشن نماید.

حزب توده تا قبل از کنگره دوم سعی کرد تمایلات مارکسیستی خود را ظاهر نسازد؛ البته در داخل حزب از همان آغاز، اصول مارکسیسم - لنینیسم برای کادرها تدریس می‌شد؛ اما حزب از اعلان مواضع و اهداف مارکسیستی خود با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران و بافت مذهبی آن اجتناب می‌کرد.

آن چنان که مشاهده می‌شود حزب توده به عنوان یک سازمان سیاسی، در طول دوران فعالیت خود با مسأله رابطه دین و دولت مواجه شد. اوج تبلور این عنصر در حزب توده در آستانه ی انقلاب اسلامی (سال ۱۳۵۷) است. در این دوران، رهبران حزب توده تحت تأثیر مخپله جمعی ایرانی، حتی در آستانه وقوع انقلاب، بر اتحاد میان دین و دولت به وسیله شرکت رهبران مذهبی در فرایند حکومت تأکید می‌کنند؛ به طوری که مذهب تشیع را به لحاظ تاریخی دارای ظرفیت‌های مناسب برای حاکمیت سیاسی می‌دانند.

با توجه به تمام تلاش این حزب که درباره مسأله مذهب به خرج داد تا حساسیت‌های مذهبی مردم را جریحه‌دار نکند و حتی ایشان ادعای طرفداری از اسلام کردند و اعلام نمودند که بیشتر اعضای ما مسلمان هستند و به مردم اطمینان داد که اعضای ما به راه حضرت محمد(ص) احترام می‌گذارند و نیز هرگز مسیری ضد مذهب و جهان بینی‌ای ناسازگار با اسلام را برنخواهند گزید، اما مسیر تاریخی و تصمیمات ایشان در دوره‌های متمادی چهره دیگری از ایشان نمایان ساخت.

حزب توده همواره از همان آغاز کوشید از برخورد عقیدتی با روحانیت اجتناب ورزد. اسلام را به طور کلی نیروی عظیمی برای آزادی بشر و پیشگام مساوات سوسیالیستی و رهبران مذهبی را بخصوص قهرمانان اصلی انقلاب مشروطه دانست و ستود. تا به آنجا که حزب توده نگران از تقابل و تعارض با مردم، از نامیدن خود به «کمونیست» ابا داشت. هرچند که در مجموع می‌توان بیان داشت که حزب توده در طی زمان به تقابل ایدئولوژیک مارکسیسم و اسلام و فقدان زمینه برای پذیرش مارکسیسم پی برده بود. به همین دلیل در برنامه حزبی خود سعی کرد با حذف مواضعی که برای مسلمانان ایجاد حساسیت می‌کرد، احساس تنفر مذهبیون و مسلمانان را از بین ببرد یا لاقط کاهش دهد و حتی در مواردی با استفاده ابزاری از اجرای مراسم مذهبی، پایگاه نفوذی برای خود کسب کند.

یکی دیگر از مجموعه علل و عوامل تداوم بروز و حضور حزب توده در تاریخ معاصر ایران را می‌توان در نسبت با امپریالیسم (برداشتی مارکسیستی) یا استکبار (برداشتی مذهبی) از قدرت های استعماری جهان عنوان نمود.

از یک سو ریشه‌های مفهوم و مصداق استکبار را می‌توان در دین اسلام و کتاب آسمانی جستجو کرد. این واژه به معنای اظهار برتری در زمین و بر دیگران بزرگی فروختن و خود را قاهر و مسلط دانستن است. استکبار از دیدگاه فرهنگ سیاسی اسلام، وجود نوعی سلطه‌گری، سلطه جویی، استعمار و بهره‌کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت محدودی زورگو و نفع طلب بر خیل عظیم توده‌های محروم می‌باشد. این عمل، می‌تواند داخلی باشد. هرچند در مقابل آن در فرهنگ‌نامه‌های غربی، واژگانی نظیر «امپریالیسم» نیز در رساندن مفهوم فوق به کار می‌روند؛ اما دارای معرفت‌شناسی و جهان‌بینی‌های متفاوت می‌باشند.

اما به لحاظ تحولات سیاسی - اجتماعی در تاریخ معاصر ایران، در سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ فعالیت‌های سیاسی حزب توده ایران عمدتاً عبارت بود از موضع انتقادی به حضور مستشاران آمریکایی در ایران و سپس مخالفت با آن. بر اساس اسناد و دیدگاه‌ها حزب توده ایران جبهه ملی را «وابسته به استعمارگران آمریکایی» و «مجری نظریات استعماری» دانست. حزب توده بر این اساس به شدت اعتقاد داشت که هیچ حرکت ضد امپریالیستی، بدون بهره‌گیری از کمک‌های اردوگاه شرق، و بدون اتکا بر آن‌ها نمی‌تواند به پیروزی واقعی دست یابد. از آنجا که استراتژی حزب حرکت و پیشروی به سوی انقلاب جهانی بود، لذا پیروزی تدریجی اتحاد شوروی بر ممالک امپریالیستی و گسترش نفوذ آن را گام‌هایی در راه رسیدن به این هدف می‌دانست که البته این طرز تفکر خاص حزب توده ایران نبود. لذا این احزاب تاکتیک‌های خود را بر اساس سیاست‌های جاری شوروی تغییر می‌دادند.

در طول فعالیت این حزب، نظریه‌پردازان حزب توده جهان را همانند استالین، به دو اردوگاه دمکراتیک و ضد امپریالیست، امپریالیست و ضد دمکراتیک تقسیم می‌کردند. شوروی، مدار و محور اردوگاه نخست تلقی می‌شد.

هرچند که شوروی و حزب کمونیست مرکزی آن کشور پاسخی مناسب این رفتارها و تصمیمات حزب به ایشان نمی‌دهد و برای نمونه زمانی که در پی تشدید اختلاف احزاب کمونیست چین و شوروی و نیز در ادامه بحران در حزب توده ایران، عده‌ای از اعضای حزب توده در اروپای غربی که رهبری حزب و مشی آن را سازش‌کارانه و غیرانقلابی می‌دانستند، در

پیروی از دیدگاه های مائوتسه تونگ (رهبر چین)، در ۱۳۴۲ش از حزب توده ایران انشعاب کردند و در ۱۳۴۳ش «سازمان انقلابی حزب توده ایران» در خارج از کشور را تشکیل دادند که حدود ۹۰ درصد اعضای حزب توده در اروپای غربی به آن پیوستند. اما حزب همچنان به آن ها پایبند است.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به دنبال ایجاد فضای باز سیاسی، مسأله فعالیت حزب توده در داخل کشور و انتقال کمیته مرکزی آن از آلمان شرقی به ایران، مورد توجه مقامات حزب کمونیست شوروی و کا.گ.ب قرار گرفت. حزب توده با این که تا مدتی بعد از انقلاب نیز خود را همسو با امام و ملت نشان می داد، سرانجام با بازگشت به منافع حزبی خود رودرروی نظام و جریان اسلامی قرار گرفت. آن چنان که طی سال ۱۳۶۲، رهبران حزب توده یک به یک بر صفحه تلویزیون ایران ظاهر شدند و به جرایم خود، از جمله جاسوسی برای اتحاد شوروی و تدارک براندازی جمهوری اسلامی ایران، اعتراف کردند. پس از سال ۱۳۶۲ حزب توده دیگر در داخل کشور موجودیت سیاسی فعالی نداشت.

جدول ۳: مقایسه علل و عوامل تداوم و عدم تداوم حزب توده در پیش و پس از انقلاب اسلامی		
دوره تاریخی	پهلوی	انقلاب اسلامی
سطح تحلیل کلان (نظام جهانی دوقطبی غیرمنعطف)	حمایت و وابستگی به شرق و سوسیالیسم مقابله با غرب امپریالیسم	مخالفت با شرق سوسیالیست و غرب لیبرالیسم مقابله با استکبار جهانی
سطح تحلیل میانه (نظام سیاسی)	فساد شاه و دربار پهلوی	همبستگی انقلاب اسلامی با باورهای دینی و اسلامی مردم ایران
سطح تحلیل خرد (باورهای فردی و ارزش های اجتماعی)	عدم توجه به باورها و هنجارها و مخفی نگاه داشتن رویکرد مارکسیستی لنینیستی	توجه نظام سیاسی و اجتماعی به ارزش ها و باورهای دینی و مذهبی
حضور و فعالیت حزب توده	علل و عوامل تداوم	علل و عوامل عدم تداوم و انحلال

در نهایت و با توجه به عملکرد حزب توده در سال های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نکات ذیل قابل توجه است. در هر دو مقطع تاریخی حزب توده سخت از غیرقانونی شدن پرهیز دارد و می کوشد تا به هر بهایی سیاست های واقعی خود را مکتوم دارد؛ همان گونه که در دوره اول فعالیت علنی (۱۳۲۰-۱۳۲۷) حزب توده خود را مقید به قانون



علل تداوم احزاب چپ در قبل و بعد از انقلاب اسلامی...

اساسی مشروطه سلطنتی وانمود می‌کرد، در دوره دوم فعالیت علنی (۱۳۵۸-۱۳۶۱) نیز خود را وفادار به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وانمود می‌کرد. در مجموع می‌توان جهت‌گیری و مواضع حزب توده در حمایت از منافع شوروی بر سه رکن استوار بود: اول؛ «موازنه مثبت در رابطه با شوروی»، دوم، «حریم امنیتی شوروی» و سوم «سرشت غیراستعماری دولت سوسیالیستی».

### نتیجه گیری

به این ترتیب همانطور که در مولفه‌های تداوم / عدم تداوم فعالیت احزاب چپ بویژه حزب توده قابل مشاهده هست، فعالیت این حزب در دوره جمهوری اسلامی با مشکلات عدیده و بغرنجی روبرو شد چنان که ماهیت حزب توده توان حل این معضلات را در خود نداشت. در حالی که با توجه به مولفه‌های تداوم / عدم تداوم فعالیت حزب توده در دوره پیش از انقلاب اسلامی این مولفه‌ها آنچنان جلوی فعالیت ایشان را نمی‌گرفت. ماهیت ساختار سیاسی (شاه و دربار) فاسد، وابستگی به کشورهای مرکز (آمریکا و انگلیس / بلوک غرب) و حمایت‌های شوروی از فعالیت حزب توده در دوره پهلوی زمینه را برای فعالیت این حزب مساعد می‌نمود؛ اما این شرایط در دوره انقلاب اسلامی محیا نبود.

اما آنچه در دوره جمهوری اسلامی بیش از هر مولفه‌ی دیگر عامل عدم تداوم فعالیت حزب توده قلمداد می‌شود مرکزیت هنجارهای اجتماعی و باورهای فرهنگی جامعه مردم است. این هنجارها و باورهای مذهبی و دینی که در پیش از دوره انقلاب اسلامی نیز حضور و بروز داشت توسط رژیم پهلوی نادیده و حتی سرکوب می‌شود و رعایت یا عدم رعایت آن وجهی قانونی - رسمی ندارد و بی‌توجهی حزب توده به آن بار منفی‌ای برای فعالیت‌های این تشکل سیاسی به همراه نمی‌آورد؛ اما در دوره انقلاب اسلامی این وضعیت تغییر کرد و لزوم رعایت موازین و باورهای مذهبی از سوی تشکل‌ها و احزاب سیاسی لازم‌الاجرا می‌شود و عرصه عمومی، جامعه مدنی و عرصه حاکمیتی پیروی از این باورها و آرمان‌ها را از تمامی نهادها و تشکل‌ها خواستار شدند.

به این ترتیب می‌توان به تفکیک علل و عوامل تداوم و عدم تداوم فعالیت حزب توده در پیش و پس از انقلاب اسلامی را تبیین و ترسیم نمود. اما به زعم سران حزب توده آنچه که می‌توانست نقطه اشتراک نیروهای انقلابی و اعضای حزب توده در فردای انقلاب اسلامی به حساب

آید آن چنان که باید و شاید به کمک حزب توده نیامد و شعار «ضدامپریالیستی» ایشان با شعار «استکبارستیزی» انقلابیون همسان نگشت. تا آنجا که امام خمینی(ره) در این خصوص بیان می‌دارند: «من صریحاً اعلام می‌کنم که از این دستجات خائن چه کمونیست، چه مارکسیست، چه منحرفین از مذهب تشیع... به هر اسم و رسمی باشد، متنفرم و بیزارم و آن‌ها را خائن به مملکت و مذهب می‌دانم» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۰۴).

هرچند که رهبری حزب، اشغال سفارت را به فال نیک گرفت و در هیجان‌های «ضد امپریالیستی دانشجویان پیرو خط امام» نقش ویژه‌ای داشت. اشغال سفارت آمریکا را «منفجر ساختن ستاد براندازی انقلاب ایران» می‌دید که «ماسک از چهره کریه امپریالیسم جهانخوار آمریکا کنار زد».

کیانوری در پرسش و پاسخ شماره ۱۱ در بهمن ۱۳۵۹ به صراحت می‌گوید: «تضاد ضد امپریالیستی معیار عمومی تشخیص نیروهای مترقی و ارتجاعی را تشکیل می‌دهد». از این رو حزب از همان آغاز از توقیف «آیندگان»، «بامداد»، «آهنگر» اظهار شادمانی کرد. سرکوب «جبهه دموکراتیک ملی» نهضت آزادی، حزب ملت ایران، جبهه ملی ایران و سایر نیروهای سیاسی، قدمی در راه تعمیق جنبش ضدامپریالیستی - ضدسرمایه داری ایران تلقی شد. گروه‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی نظیر حزب رنجبران، سازمان پیکار، اتحادیه کمونیست‌ها، کومله، حزب دموکرات کردستان ایران و سایر دسته‌های «ضد انقلابی» را در ردیف «ستون پنجم سیاسی آمریکا که به صورت گروهک‌های فاشیست‌مآب چپ‌نمای چینی - آمریکائی» قلمداد شدند.

بی‌گمان، عدم شناخت لازم و کافی از روحانیت در ایران به طور عام و موضع و اندیشه‌های امام خمینی(ره) به طور ویژه، یکی از اساسی‌ترین عوامل در تکوین و گسترش اشتباهات حزب از آغاز تا غافل‌گیری به هنگام عملیات جمهوری اسلامی به حزب توده ایران بوده است.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- احمدی، محمود طاهر (۱۳۷۹). اسنادی از اتحادیه‌های کارگری، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران
- بهروز، مازیار (۱۳۸۰). شورشیان آرمانخواه، ترجمه مهدی پرتوی، تهران: انتشارات ققنوس.
- بی‌نا (۱۳۶۰). اسناد و دیدگاه‌ها: حزب توده ایران از آغاز پیدایی تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷، بی‌جا، بی‌نا.
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۷). حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی (۱۳۶۸-۱۳۲۰)، تهران: موسسه مطالعات سیاسی.
- حاجی‌کلایی، حمید (۱۳۸۱). «جریان شناسی چپ در ایران»، کتاب نقد، شماره ۲۳، تابستان، صص ۲۵۲-۲۲۱.
- حزب توده (۱۳۶۰). اسناد و دیدگاه‌ها حزب توده ایران از آغاز پیدایی تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷، تهران: حزب توده.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۳). چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- دوراندیش، روشنگر (۱۳۸۸). عدالت خواهان سرسپرده: حزب توده و انقلاب ۵۷، گزارش، بهمن، شماره ۲۱۵.
- زیبائی، علی (۱۳۴۳). کمونیسم در ایران، یا تاریخ مختصر فعالیت کمونیست‌ها در ایران، تهران: بی‌نا.
- سلیمی، حسین (۱۳۷۵). «تأملی در نظریه نظام جهانی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۷ و ۱۰۸، مرداد و شهریور، صص ۹۹-۸۸.
- طبری، احسان (۱۳۷۸). کژراهه (خاطراتی از حزب توده)، تهران: امیرکبیر.
- کشاوری، فریدون (۱۳۵۷). من متهم می‌کنم کمیته مرکزی حزب توده ایران را، تهران: خلق.
- کیانوری، نورالدین (۱۳۹۵). خاطرات نورالدین کیانوری، تهران: انتشارات اطلاعات.
- گازبوریوسکی، مارک (۱۳۷۱). سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز.
- مجموعه اسناد مصوب هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران (۱۳۶۰)، فروردین.

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال دوازدهم، شماره ۴۷، بهار ۱۳۹۹

مورگنتا، هانس (۱۳۷۵). *سیاست میان ملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

موسوی خمینی، امام سید روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*، جلد ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

نجاتی، غلامرضا (۱۳۸۰). *تاریخ بیست و پنج ساله ایران*، تهران: رسا.

هابدن، استفن (۱۳۷۹). *روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی تاریخی*، ترجمه جمشید زنگنه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

والرشتاین، ایمانوئل (۱۳۷۷). *سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی ژئوپلتیک و ژئوکالچر*، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: نشر نی.

#### ب) منابع انگلیسی

Goldfrank, w. l (2000). "Paradigm Regained? The Rules of Wallerstein World – System Method". **Journal of World – System Research Xi. 2:** 150 – 95.

Wallerstein, Immanuel (1967). **The Capitalist World Economy**, New York. Cambridge University Press.

Waltz, Kenneth N.(1979). **Theory of International Politics**, New York: McGraw Hill.